روزنامه شرق

شنبه ۱مرداد ۱۳۹۰ • ۲۱شعبان ۱۴۳۲ • ۲۳جولای ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی ۱۳۰۰ • شماره ۳۷۶ دوره جدید • ۱۲صفحه+۳۲صفحه ضمیمه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن:۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۲۱

www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۱۱ اذان مغرب ۲۰:۳۶ اذان صبح فردا ۴:۲۶ طلوع آفتاب ۶:۰۶

از نسخه دیجیتال آثار علی شریعتی رونمایی شد

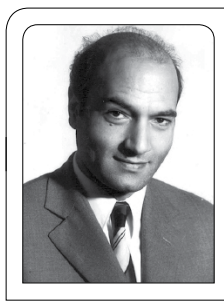

ایسنا: مراسم رونمایی از نسخه دیجیتال آثار دکتر علی شریعتی، عصر چهارشنبه (۲۹ تیر) در حسینیه ارشاد برگزار شد. احسان شریعتی با اشاره به انتشار نسخه دیجیتال آثار پدرش گفت: تاکنون آثاری که از دکتر شریعتی منتشر شده‌اند، بخش‌بخش و جزیی بوده‌اند. مجموعه آثار دیجیتال دکتر شریعتی بسیار ساده است و یک شریعتی را در کامپیوتر ما ایجاد می‌کند تا با او زندگی کنیم؛ زندگی بر اساس نان، آزادی، فرهنگ و دوست داشتن. امکان درافتادن با شریعتی را هم می‌تواند برای ما فراهم کند. این اولین روایتی است که منتشر می‌شود.

فرهنگ زمان ما

آیا ورود آقایان ممنوع ضد زنه؟

روبرت صافاریان

ورود آقایان ممنوع ضد زنه؟

نه. چرا؟

چون شخصیت زن اصلی فیلم، زنی که معتقد است خانم‌ها هیچ‌از آقایان کم ندارند، بلکه تواناتر هم هستند، به محض اینکه گمان می‌برد که مردی عاشقش شده، دست و پایش را گم می‌کند و یک‌شبه از این رو به این رو نمی‌شود.

نه جانم اشتباه می‌کنی. این فیلم ضد هر چیز تعصب‌آمیز و افراطیه که چه بسا یک آرمان و هدف در اصل درست و قابل دفاع را آنقدر به افراط می‌برد تا به چیزی بی‌معنی و غیرقابل دفاع تبدیل می‌شه. ضدکاریکاتوری کردن ماجرای دفاع از حقوق زن‌هاست. ضدتفکریه که ضد مرده به جای اینکه طرفدار برابری حقوق زن و مرد باشه. تفکری که نفس وجود مردها را زیان‌آور می‌دونه. تفکری که با عشق به جنس مخالف مخالفه. نشنیدی نویسنده فیلمنامه پیمان قاسم‌خانی گفته که ایده اصلی فیلم که مال منوچهر محمدی است این بوده که عشق چیز فطری است و نمی‌توان آن را نفی کرد و هر تفکری که آن را نفی کنه، خنده‌دار می‌شه.

اما تو مطمئنی فیلم نمی‌خواد با کاریکاتوری کردن مساله دفاع از حقوق زن، یک جوری بگه که همه زن‌هایی که مدعی استقلال زنان هستند، در عمق‌شان موجودات خنده‌داری‌هستند.

واقعیت اینه که هدف هر کاریکاتوری درشت کردن عیب‌ها و انتقاد از آنهاست. یعنی درسته که همه زن‌های معتقد به دفاع از حقوق زن به اندازه خانم دارابی تندرو نیستند اما فیلم می‌خواهد بگوید همه آنها در مقیاس کوچک‌تر و خفیف‌تر همان تفکر و ایرادات را دارند. آنچه مورد انتقاد است در اصل همان اصل ادعای استقلال زنان است، نه زیاده‌روی در آن. این زیاده‌روی تکنیک و شگردی است برای طرح موثرتر مساله.

تو قبول نداری عشق مرد و زن فطری است؟

نمی‌دانم. این چیزی که فطرت می‌گوییم، می‌تواند محصول با تربیت اجتماعی و فرهنگ غالب جامعه باشد. اما این را قبول دارم که برخی از همین خصوصیاتی که اسمش را خصلت زنانه می‌گذاریم، حالا ذاتی زن باشند یا محصول تربیت، به شدت مقاوم و پایدارند و رامبد جوان یا پیمان قاسم‌خانی روی آن انگشت می‌گذارند، بسیار باورپذیر و واقع‌گرا در می‌آید. راستی یک سوال. تو، وقتی آن مدیر مردِ رقیب مرد خانم دارابی مسخره‌اش می‌کرد، کیف نمی‌کردی؟ یا با دکتر خوش‌تیپ و جذاب فیلم احساس همدلی نمی‌کردی؟ آیا فیلم در اصل یک جور مسخره کردن جدیت نیست (که اغراق شده‌اش در خانم دارابی است)؟ یک جور مروج زندگی مرفه و خوشباشانه که نماینده‌اش آقای دکتر است؟

خب چه اشکالی داره؟

اشکالش اینه که الگو و ارزش فرهنگی جا می‌اندازه، اون هم در ظاهر در نقد تفکر رسمی و در باطن (در نگاهش به اندیشه زن‌گرایی) همسو با آن. توجه کردی که شخصیت خانم دارابی چه ترکیب جالبی است از زن هوادار فمینیسم و مدیر مدرسه سختگیر تیپیک؟ ظاهر و پوشش او و سختگیری‌هایش نسبت به شاگردان بر دومی گواهی می‌ده و همین نکته است که فیلم را به مذاق جماعت تماشاگر طبقه متوسط متجدد خنده‌دار و دوست‌داشتنی می‌کنه. اما وجه نخست شخصیت او زمینه مناسبی است برای نیش و کنایه به زنانی که در پی استقلال‌اند و هویت زنانه مستقل‌اند، هرچند این زنان قاعدتا نباید در مساله پوشش و غیره به اندازه خانم دارابی سختگیر باشند.

آیا زیادی وارد معقولات شدی، این فقط به فیلمه، زیاد جدیش نگیر، می‌خواهیم یکی، دو ساعت خوش باشیم.

بله. اما فراموش نکنیم که ارزش‌های فرهنگی وقتی لای زرورق طنز پیچیده می‌شوند، خیلی راحت‌تر جذب می‌شوند. این‌طور نیست؟

۶ نکته

رنج بی‌وطنی

محمد شمس لنگرودی

شاعر و نویسنده

■ طوری از زندگی گله‌مند بودم انگار که خودم وجود خارجی ندارم. پس من چه می‌کردم که به چنین نقطه‌ای رسیدم.

■ بعدها که نگاه کردم دیدم چیزی که مرا از پا می‌انداخت نه شکست بلکه حس شکست‌خوردگی بود.

■ وطن عزیز! وطن عزیز! رنج بی‌وطنی چقدر شیرینت می‌کند.

■ جنایتکاران، آدمکشان، همه راحت می‌خوابند؛ همه‌مان برای همه کارمان توضیح و توجیه داریم.

■ حالا که قرار است خود به تجربه بد و خوب هر چیز را بدانم باید از اختراع حروف چوبی و آسیاب‌بادی شروع کنم و تا دیر نشده بجنبم.

■ حسادت: نه اینکه چرا من نتوانسته‌ام و ندارم، بلکه چرا تو توانسته و تو داری.

***از کتاب منتشرنشده «آنچه من از زندگی دانستم»**

تغییر

پرهزینه‌ترین - کم‌اثرترین

سعید مدنی

جامعه‌شناس و پژوهشگر

ظاهرا گسترش خشونت و گزارش موارد متعدد وقوع خشونت، مسوولان امر را متوجه وخامت اوضاع اجتماعی کرده تا آنجا که طی هفته‌های اخیر اقداماتی را برای کنترل اوضاع به اجرا درآورده‌اند که اهم آنها به قرار زیر است:

- صدور اجرای حکم اعدام (در مواردی در ملاءعام)
- اجرای طرح جمع‌آوری اراذل و اوباش برای چندمین بار
- تلاش برای تجدیدنظر در صدور قوانین مربوط به حمل سلاح سرد

شاید چند اقدام دیگر را بتوان به فهرست بالا افزود اما تمامی اقدامات از چند خصیصه مشترک برخوردارند:

اول- همه مداخلات در ردیف اقدامات قضایی و پلیسی هستند. عموما مداخلات قضایی و پلیسی پس از وقوع جرم به اجرا درمی‌آیند و به تنهایی فاقد هرگونه ابعاد پیشگیرانه هستند. بنابراین این‌گونه مداخلات کمترین تاثیری بر موارد وقوع خشونت در آینده ندارند. حتی این استدلال قدیمی که شدت مجازات و ترس از عواقب جرم مانع از اقدامات غیرقانونی و مجرمانه می‌شود نیز چندان نافذ نیست زیرا روند مشکلات اجتماعی، جرم و خشونت همچنان روبه افزایش است.

دوم- همه یا اغلب موارد تکراری هستند و برخی از آنها سال‌هاست به طور مکرر اجرا می‌شوند. چرا نباید از تجربه ۳۰ساله غلبه استراتژی‌های قضایی - پلیسی درس آموخت و با توجه به نتایج این اقدامات، در کاهش و کنترل جرم و خشونت در برنامه‌ها تجدیدنظرهای اساسی و استراتژیک کرد؟

سوم- بیشتر اقدامات با هدف تاثیر کوتاه‌مدت و فوری بر روند نامطلوب موجود به اجرا درآمده‌اند. فارغ از آنکه تاکنون گزارشی جدی و محققانه درباره آثار کوتاه‌مدت اقدامات قضایی و پلیسی به عمل نیامده و هنوز جمع‌بندی روشنی در این زمینه وجود ندارد و با تاکید بر آنکه آثار زیانبار همه یا برخی از این مداخلات در کوتاه‌مدت بیش از آثار مثبت آنهاست اما اساسا در حالی که وضعیت موجود اجتماعی و روند فزاینده خشونت و جرم محصول سال‌ها مداخلات غیرعلمی و غیرواقع‌بینانه در حوزه اجتماعی است، چگونه می‌توان تصور کرد با پاره‌ای اقدامات پراکنده در کوتاه‌مدت وضعیت موجود بهبود یابد؟

چهارم- اغلب اقدامات فارغ از موفق یا ناموفق بودن در کنترل و کاهش خشونت، در صورت اجرا، خود پیامدها و اثرات نامطلوبی داشته و به بازتولید خشونت منجر خواهند شد. مثلا اجرای حکم اعدام در ملاءعام موجب یادگیری اجتماعی شده و آستانه تحمل نسبت به خشونت را افزایش خواهد داد که معنا و مفهوم آن، این خواهد بود که برای ناظران، مشاهده مرگ انسان‌ها امری عادی خواهد شد. آیا حادثه میدان کاج را به خاطر دارید؟ با عنایت به موارد بالا مداخلاتی را که این روزها مقامات مسوول به عنوان اقدامات عاجل برای کنترل و کاهش خشونت و جرم در دستور کار قرار داده‌اند نمی‌توان واجد اثربخشی و کارآیی لازم قلمداد کرد؛ برعکس انتظار می‌رود این پروژه‌ها به تشدید وضعیت منجر شود.

از جنس‌ما

روزنامه‌نگاری در جهان معاصر از نگاه گونتر گراس

همشهری‌آنلاین: گونتر گراس، نویسنده آلمانی برنده جایزه نوبل ادبی، در همایش دهمین سال تشکیل اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران از این قشر انتقاد کرد. وی به عنوان سخنران میهمان در حضور سردبیران روزنامه‌هایی چون «دی‌تسایت»، «اشپیگل»، «زود دویچه تسایتونگ»و... گفت: روزنامه‌نگاران، امروزه نان خود را از فروش موضوع‌های جنجالی در می‌آورند. نزد روزنامه‌نگاران امروز، جذابیت بر اهمیت ارجح است. گونتر گراس، سپس ناشران روزنامه‌ها را مخاطب قرار داد و از آنان انتقاد کرد که نشریات خود را به «ورق‌پاره» مبدل ساخته‌اند. گونتر گراس همچنین روزنامه‌نگاران جوان را به داشتن روحیه‌ای مثل یک «کارمند اداری» و نداشتن استقلال متهم کرد. وی همچنین روزنامه‌نگاران را متهم کرد که به دلیل عدم داشتن روحیه انتقادی و موشکافانه و عدم انتشار «واقعیت‌ها»، «مبانی دموکراسی را به خطر انداخته‌اند.»

کارتون خواب

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir

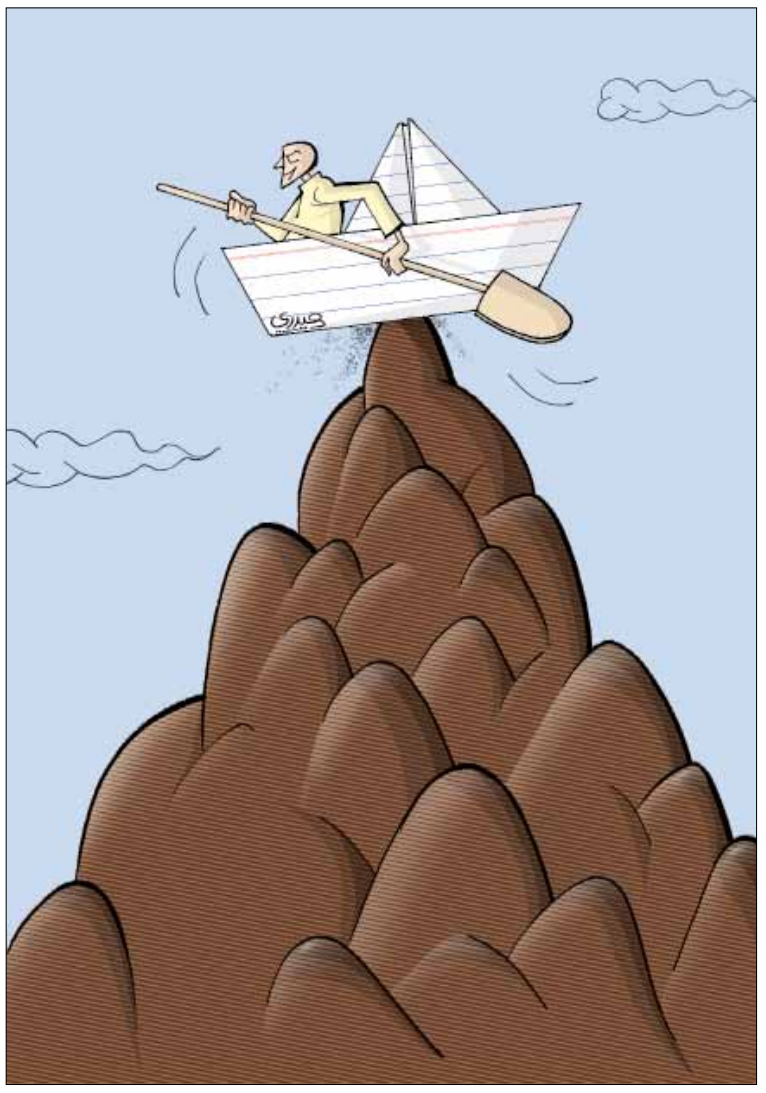

برداشت آخر

مجهول پشت مجهول در دکترای افتخاری مدیری

اسد وفاپیشه: «مهران مدیری، کارگردان و بازیگر مجموعه‌های طنز، به پاس انجام فعالیت‌های هنری و انسانی از دانشگاه لیبرتی آمریکا، دکترای افتخاری گرفت.» این خبری بود که روزهای پایانی هفته گذشته روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت اما در صحت و سقم این خبر کمی شبهه وجود داشت. با مراجعه به سایت دانشگاه به آدرس www.aluniversity.edu برای پیگیری خبر متوجه شدیم قسمت خبری این سایت هنوز راه‌اندازی نشده و در حال بازسازی است. همین اتفاق موجبات پیگیری بیشتر را فراهم کرد. تا اینکه با مراجعه به دایره‌المعارف بین‌المللی و اینترنتی «ویکی‌پدیا» کاشف به عمل آمد که این دانشگاه برخلاف تمام دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی هیچ مدخلی ندارد. روند پیگیری خبر، مجهولات قضیه را بیشتر کرد که این دانشگاه اصلا مدرک دکترایی صادر می‌کند که دکترای افتخاری هم اهدا کند؟ بنیان‌گذار این دانشگاه کیست و...؟ دوباره خبر را مرور کنیم شاید کمی به حل مجهولات کمک کند؛ «مراسم اهدای دکترا به مدیری در ۲۱ تیر (۱۲ June ۲۰۱۱) در دانشگاه لیبرتی واقع درلس‌آنجلس برگزار شد که مهران مدیری به دلیل ضبط ادامه مجموعه قهوه تلخ نتوانست در این مراسم حضور پیدا کند. در این مراسم، دکتر رونالد برینر به نمایندگی از مهران مدیری این مدرک را دریافت کرد و حمید سلطانی آن را در ایران به مهران مدیری رساند.» روابط عمومی سریال «قهوه تلخ» در پی تماس «شرق» اعلام کرد: «مدیری در جریان اهدای این جایزه بوده است ولی مطلع نیستیم که این دانشگاه پیش از این دکترای افتخاری به شخص دیگری ارایه کرده است یا نه؟» اینکه این دانشگاه به شخص دیگری هم دکترای افتخاری داده یا نه را به باقی مجهولات اضافه کنید. از روابط عمومی «قهوه تلخ» پرسیدیم: آقای «سلطانی» کیست؟ مسافری بوده که در مسیر، دکترای افتخاری را به «مدیری» رسانده؟ اما جوابی برای مشخص شدن هویت آقای «سلطانی» نگرفتیم. ولی به ناگاه در ادامه جست‌وجو متوجه شدیم آقای «سلطانی» بنیان‌گذار دانشگاه لیبرتی آمریکاست. نکته قابل توجه دیگر این است که بنا بر اعلام روابط‌عمومی مجموعه «قهوه تلخ» این دانشگاه در دو بخش هنری و پزشکی فعال است. در هر صورت اهدای دکترای افتخاری به پاس انجام فعالیت‌های هنری به مدیری توجیه‌پذیر است اما تقدیر از فعالیت‌های انسانی یا شاید پزشکی مدیری، آن هم توسط دانشگاهی با ویژگی‌های پیش‌گفته در هاله‌ای از ابهام است.

کلبه کوچک من

تکراری که خواستنی است - ۲۳

اردشیر خرمنکوب

■ برای شما گفتم که من در لس‌آنجلس زندانی‌ام. در یک سلول به پهنای دو گام و درازای چهار گام. کلبه کوچک من پنجره‌ای دارد که فقط یک وجب از آسمان را می‌شود از آن تماشا کرد. ظاهرا این پنجره از بیرون، لبه‌ای دارد که مسطح و پهن است. این لبه مسطح و پهن، جای مناسبی است برای اقامت شبانه کبوتران وحشی. هوا که رو به تاریکی می‌رود، کبوتران از هر کجا، یک‌به‌یک سر می‌رسند و بر لبه بیرونی پنجره کلبه من فرود می‌آیند. نمی‌دانید چه غوغایی سر می‌دهند با بغبغوها و بال و پر زدن‌هایشان. و من با فاصله‌ای به ضخامت نیم بند انگشت، کاملا حس و حال آنها را دریافت می‌کنم. بدون آنکه ببینم‌شان. حدودا نیم‌ساعت تمام غوغای کبوتران ادامه دارد. با تاریک شدن هوا، به سکوتی باور نکردنی فرو می‌روند. در تمام طول شب، من هرازگاه صدای پابه‌پا شدن‌شان را، یا بغبغوی در گلو مانده یکی از آنها را می‌شنوم. و دیگر سکوت. درست با گرگ و میش صبح، کبوتران وحشی چشم می‌گشایند و سروصدایشان بالا می‌گیرد. حدودا نیم‌ساعت. و بعد، پر می‌کشند و می‌روند تا غروب. که باز، بازآیند. من از کودکی به صدای کبوتر و بال و پر زدنش و به شکل و شمایلش سخت مشتاق بوده‌ام. اشتیاق فراوانی که فکر نمی‌کردم یک روز به چنان تنگنایی درافتم که از تکرار صدای خاطره‌انگیز بغبغوی کبوتران خسته شوم. اما باور کنید این دو نیم‌ساعت، - صبح‌ها و غروب‌ها- هم برای من دلنشین است و هم گاه آزار دهنده. جذابیتش به این است که من با انتظار برای باز آمدن کبوتران و شنودن سرو صدایشان احساس می‌کنم هم‌نشینانی در آن سوی پنجره دارم که با من سخن می‌گویند. اینکه: شنیدن صدای «پرواز» نیز خواستنی است. و آزاردهنده از این روی که سروصدای ازدحام آنها و یکنواختی بغبغوهایشان، روان مرا و سکوت دلخواه مرا می‌خراشد. حال آنکه به صورت ظاهر، جز زیبایی و جذابیت نباید در کبوتران آن سوی پنجره و سروصدایشان باشد. اما این، قاعده‌ای نانوشته است که: تکرار فراوان و هر روزه هر خوردنی خوشگوار و تماشای هر چشم‌انداز چشم نواز و مصرف هر چیز خواستنی، آن را از مدار علاقه ما به دور می‌راند. اکنون شما به این بیاندیشید که چرا ما سوره کوتاه حمد را این همه در طول عمرمان مرور می‌کنیم و ذره‌ای نیز از این همه تکرار، دل‌آزرده نمی‌شویم؟ دلربا‌ترین قطعه‌های موسیقی و ترانه‌ها و تصنیف‌های شورانگیز نیز آنجا که به تکرار در می‌افتند، طعم مطلوب خود را از کف می‌دهند. سوره حمد حتی برای آنانی که معنای آن را نمی‌دانند، خواستنی است. و این طعم خواستنی، هرگز از «عادت» متاثر نیست. چرا که در عادت نیز دلزدگی و دل‌آشوبی رخ نشان می‌دهد و تلاش دارد از این گردونه به در رود. حتی راز تکرار مدام اما خواستنی سوره حمد، به رویکردی از تقدس و تکلیف و تحکم و خواست خداوند نیز معطوف نیست. بلکه راز نشاط مدام سوره حمد، در هم آمیختگی متوازن قالب و محتوا در این سوره است. کلمات در این سوره آنچنان به هم پیوسته‌اند و آنچنان از ترکیب و تالیف درستی بهره برده‌اند که هرگز فرسوده و نخ نما نمی‌شوند. (ادامه دارد)

خبر

گران‌ترین هنرمند جهان درگذشت

■ **شرق:** لوسین فروید، نقاش نامی بریتانیا در سن ۸۸ سالگی در خانه خود در لندن درگذشت. این نقاش بزرگ که نوه زیگموند فروید، پدر روانکاوی بود، تا آخرین روزهای زندگی فعال بود و همچنان نقاشی می‌کرد. او تنها در هفته‌های آخر بیمار بود.